©2023 ASP Ins., Afarand Scholarly Publishing Institute, Iran

ISSN: 2322-2166: Journal of Islamic Life Style, 2023:6(4): 47-56

Spiritual Health in the Conflict of Prayer and Answer with Emphasis on the Disease

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Saeide Hamledari[1*]
Seyyed Roohollah Moosavizade[2]

How to cite this article
Saeide Hamledari, Seyyed Roohollah Moosavizade, Spiritual Health in the Conflict of Prayer and Answer with Emphasis on the Disease, *Islamic Life Style*. 2023; 6(4):47-56

1. PhD student, Department of Education, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

2. Assistant Professor, Department of Education, Isfahan University, Isfahan, Iran.

** Correspondence:*
Address:
Phone:
Email: hamledari20@gmail.com

Article History
Received: 2021/05/19
Accepted: 2022/09/03

ABSTRACT

Purpose:The spread of the disease has led to emerging spiritual conflicts among individuals. The issue of "prayer and obedience" is one of the pervasive conflicts in the field of spiritual health and in the form of the following proposition: "Unless God has said that whoever submits his request to God, his prayer will be answered; But there was no improvement! "Since the consequences of this conflict will have a direct impact on the reduction of one's relationship with God, it was necessary to examine, explain and analyze some of these conflicts in the following article to resolve them to the main Our goal is to achieve the holy peace of people.

Materials and Methods: The method of reviewing the article is qualitative and descriptive-exploratory-analytical. After communicating with patients and extracting this belief, some answers are provided.

Findings: Shows that prayer is directly related to the law of causality. Prayer is inherently desirable in itself, regardless of whether it satisfies human needs. But the reason for not answering some human prayers is related to divine wisdom.

Conclusion: Clinical experiences show that as a result of the transition from spiritual conflict, spiritual health is achieved in patients.

Keywords: Obedience, Disease, Spiritual Conflict, Prayer, Spiritual Health.

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

سلامت معنوی در تعارض «دعا و اجابت» با تأکید بر بیماران

سعیده حمله داری[۱*]
دانشجوی دکتری، گروه معارف، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

سید روح الله موسوی زاده[۲]
استادیار، گروه معارف، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده
هدف: گسترش بیماری منجر به بروز تعارضات معنوی نوپدیدی درمیان افراد گشته‌است. مساله «دعا و اجابت» ازجمله تعارضات فراگیری است که در حوزه سلامت معنوی و در قالب گزاره ذیل، نمود گسترده‌ای دارد: "مگر خدا نفرموده‌است هرکس خواسته‌اش را به درگاه الهی عرضه کند دعایش مستجاب است؛ چرا من برای بیماری دعا کردم اما بهبودی حاصل نشد!" از آنجایی که پیامدهای ناشی از این تعارض، تأثیر مستقیمی بر کاهش برقراری ارتباط فرد با خداوند خواهد گذاشت، ضرورت دیده شد در نوشتار پیش‌رو برخی از این تعارضات را مورد بررسی، تبیین و تحلیل قرار داده تا با حل و رفع آنها به اصلی‌ترین هدف خود یعنی تحقق آرامش قدسی بیماران نائل گردیم.
مواد و روش‌ها: روش بررسی مقاله کیفی و از نوع توصیفی-اکتشافی-تحلیلی است که پس از ارتباط-گیری با بیماران و استخراج این باور، پاسخ‌هایی ارائه‌شده‌است .
یافته‌ها: نشان می‌دهد دعا و نیایش، ارتباط مستقیمی با قانون علیت دارد. دعا فارغ از آن‌که سبب رفع حوائج انسان می‌گردد از مطلوبیت ذاتی و فی نفسه برخوردار است. اما علت عدم اجابت برخی دعاهای انسان با حکمت‌های الهی در ارتباط است .
نتیجه‌گیری: تجارب بالینی گواه آن است که در نتیجه گذار از تعارض معنوی، سلامت معنوی در بیماران حاصل می‌گردد.

کلیدواژه: اجابت، بیماری، تعارض معنوی، دعا، سلامت معنوی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲
***نویسنده مسئول:** hamledari20@gmail.com

مقدمه

بی‌شک سختی‌ها و مشکلات به گونه‌ای با حیات آدمی عجین شده است که تصور زندگی عاری از بلا و مصیبت، تنها در حد یک خیال ذهنی است. وقوع سختی‌ها و ابتلائاتی همچون بیماری، فقر، ازدست دادن عزیزان، اسارت و... اثرات جبران‌ناپذیری در روح و روان انسان برجای می‌گذارد. در بحبوحه این ابتلائات که فرد مستأصل با حالت اضطرار به دنبال پناهگاهی امن است چیزی جز دعا و تضرع به درگاه الهی، اسباب آرامش فرد آسیب‌دیده را مهیا نمی‌سازد. در قعر سختی‌ها که انسان، اُمیدش از تمامی اسباب و علل مادی، منقطع می‌گردد توسل و راز و نیاز به درگاه الهی امن‌ترین ملجأ و مأوای درماندگان خواهدبود. اینجاست که اهمیت و نقش مهم دعا در آرام‌بخشی انسان هویدا می‌شود. انسان در هر موقعیتی که باشد دعا حلاّل مشکلات مادی و معنوی او خواهد بود چراکه در عین طلب خواسته‌ها و حاجات، پس از برقراری ارتباط با معبود و نیایش عاشقانه و مناجات به درگاه او، اسباب سبک شدن وی فراهم می‌گردد. اما فارغ از حیث تسکین و آرام‌بخشی انسان درهنگام دعا و نیایش، مسئله مهم‌تری ذهن اکثر افراد را به خود مشغول کرده و آن این موضوع است چرا دعاها مستجاب نمی‌شود. اینجاست که افراد، درگیر تعارضات می‌شوند. منظور از تعارض در این نوشتار، ارائه تعریفی نوین که عبارتست از "به هم‌ریختگی باورها و رفتارهای فرد و بروز ناهماهنگی در مجموعه ارزش‌های مورد قبول او در شرایط سخت است. در پی این ناسازگاری، ارتباط فرد با خدا و خود نیز به هم‌ریخته، ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی وی پریشان گشته و سلامت معنوی او نامتعادل می‌گردد."(۱)
برهمین اساس، تعارض «دعا و اجابت» از این قرار است: اگر «بیماری‌ها» را به عنوان یکی از عوامل به‌هم‌ریختگی باورهای افراد درنظر گیریم افراد قبل از این‌که درگیر شرایط سخت بیماری شوند باور داشتند هرکس خواسته و نیازی داشته باشد و آن را به درگاه الهی عرضه کند خداوند نیاز او را اجابت می‌کند. اما از زمانی که درگیر بیماری شدند خلاف این باور خود را تجربه کرده‌اند چراکه باوجود راز و نیاز بسیار به درگاه الهی اما خدا دعای آنها را اجابت نکرده و آنها همچنان از فشار و تنش ناشی از بیماری رنج می‌برند. به دنبال این ناسازگاری باورها در زمان قبل و حین بیماری، رفته‌رفته تعارض دعا شکل‌گرفته، ارتباط فرد مبتلا با خداوند کم‌رنگ‌تر شده، فرد از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کند و به طورکلی، سلامت معنوی او با اختلالاتی مواجه می‌گردد. ازاین‌رو، ضرورت دیده شد به منظور بازیابی سلامت معنوی افراد اقدامی در جهت رفع و حل تعارضات مذکور صورت پذیرد.
آثار بسیاری با تأکید بر موضوع «دعا» نگاشته شده است. محمدرضا کاشفی در کتاب خود با عنوان "دعا و توسل" موضوع را درسه بخش دعا، توسل و شفاعت مورد بررسی قرار داده‌است. غلامرضا بهرامی نیز در کتابی با عنوان "دعا و زندگی" به دو بخش تأثیر دعا در زندگی و آثار دعا اشاره نموده است. جلیل نصرالهی در پایان نامه خود با موضوع "آسیب شناسی عدم اجابت دعا از دیدگاه قرآن و حدیث"، مباحثی همچون تأخیر در استجابت دعا، موانع استجابت دعا از منظر قرآن و احادیث و آسیب شناسی عدم استجابت دعا را مورد بررسی قرار داده است. مجتبی موسوی نیز در مقاله‌ای با عنوان

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

"نقد و بررسی مسأله دعا و پاره‌ای از چالش‌ها" مخالفت خود را با رأی مفسران پیرامون مصلحت و پاکی روح به عنوان دلایل عدم استجابت دعا اعلام و نظرات پیشنهادی خود را ارائه نموده است.
اما وجه تمایز این نوشتار در «تبیین تعارض و مراحل شکل‌گیری منحصر به فرد آن و نیز وجهه کاربردی بودن رفع تعارض در شرایط سخت بیماران صعب العلاج» است. همان‌طور که بیان شد تعارض معنوی در این نوشتار عبارت از «به‌هم‌ریختگی در باورهای فرد بیمار و ناهماهنگی مجموعه ارزش‌های مورد قبول او و نیز عدم سازش میان نظام ارزشی و رفتارهای فرد است که در همین راستا منجر به اختلال در سلامت معنوی و پریشانی در حیطه ارتباطی بیمار با خود و خدا می‌شود و درنهایت همه ابعاد وجودی او (اعم از جسمی، روانی، اجتماعی) را تحت تأثر قرار می‌دهد.» (۲) از جمله ویژگی-های بارز این تبیین آن است که: ۱. تأکید آن بر حوزه باورها، اندیشه‌ها، اتفاقات ذهنی و ، ناسازگاری‌های ذهنی و درونی افراد بیمار است. ۲. این باورها گاهی با دیگر باورهای فرد، همخوانی ندارد و گاهی با رفتارها. ۳. این تبیین، اشاره‌ای بر آسیب‌های تعارض یعنی ایجاد اختلال در روابط فرد بیمار با خود و خداوند و کاهش سلامت معنوی دارد. ۴. این‌که تعارض معنوی نهایتا منجر به آسیب تمامی ابعاد وجودی انسان خواهد شد.
در حقیقت، تمرکز اصلی این نوشتار بر نحوه شکل‌گیری تعارض دعاست که پس از ذکر گام‌های مؤثر در فرایند تعارض، اشارت مختصری در باب پاسخ‌دهی ارائه می‌گردد.

سلامت معنوی

سلامت معنوی تنها عدم وجود ناراحتی معنوی نیست، بلکه وضعیتی است دارای مراتب گوناگون که متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فردی منجر به ارتقاء کیفیت روابط فرد با خداوند، خود، خلق و خلقت و همچنین ارتقاء سلامت جسمی، روانی، اجتماعی او می-گردد که نتیجه نهایی آن ارزشمندی زندگی و معناداری مرگ در سایه قرب خداوند است. (۳) سلامت معنوی، متضمن سعادت ابدی انسان است. چه بسا فردی از نظر جسمانی، روانی و اجتماعی سالم باشد اما فاقد اعمال و رفتار مساعد از ساحت معنوی باشد. ازاین‌رو اولین و مهم‌ترین مسئولیت انسان، انتخاب دین است و در صورتی که نظام زندگی خود را برمبانی دینی بچیند فرد سالمی است اما در غیر این صورت دچار اختلالات معنوی می‌باشد که عوارض آن تا ابد دامن‌گیر او خواهد بود.(۴)

تعارض معنوی

حضور همزمان تکانه خواسته‌ها و گرایش‌های متضاد یا مانعه الجمع را «تعارض» گویند. به بیان واضح تر، «تعارض» همان اختلاف کلی، جزیی، واقعی یا احساسی بین نقش ها و هدف‌ها و قصدها و علایق یک یا چند فرد و گروه می‌باشد. این تعارضات گاه درون فردی،[1] گاه درون گروهی،[2] گاه بین افراد[3] و گاه بین گروه‌ها[4] می باشد. در تعارض درون فردی، فرد با خود اختلاف داشته یعنی فرد در معرض اهداف ناسازگار یا در حالت ناهماهنگ شناختی قرار می‌گیرد و احساس ناراحتی می‌کند (۱) منشا این تعارضات گاه از روابط بین افراد ناشی می‌شود و گاه از اختلاف‌های فکری سرچشمه می‌گیرد. سردرگمی در افکار و عدم تحلیل سختی و بیماری سبب تعارض می‌گردد. (۵) نتایج این تعارضات حل نشده اختلافات رفتاری و بیماری‌های روان-تنی[5] را موجب می‌شود که منجر به اضطراب، ناکامی، پرخاشگری وغیره می‌گردد. (۶)
منظور از تعارض در این نوشتار، ارائه تعریفی نوین که عبارتست از "به هم‌ریختگی باورها و رفتارهای فرد و بروز ناهماهنگی در مجموعه ارزش‌های مورد قبول او و در شرایط سخت است. در پی این ناسازگاری، ارتباط فرد با خدا و خود نیز به هم‌ریخته، ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی وی پریشان گشته و سلامت معنوی او نامتعادل می‌گردد."(۱)

دعا

گاهی دعا به معنای خواندن است «فَلَم یَزدهُم دُعائی اِلّا فِرار» است. گاهی به معنای حاجت خواستن و استمداد است «اَلحَمدُ لِلّه الّذی وَهَبَ لی عَلی الکِبَر اِسمعیلَ وَ اِسحقَ اِنَّ رَبّی لسَمیعُ الدُّعا». از این دو آیه روشن می‌شود که هر که خدا را بخواند خدا حتما دعای او را اجابت خواهد کرد.(۷)
ابو محمّدبن حسن دیلمی در تعریف دعا بیان می‌کند: " دعا آن است که بنده در پیشگاهِ خداوند متعال، فقر و تهیدستی و ناداری را با خواری و خاکساری و فروتنی بیان نماید و هرگاه این‌گونه دعایش را بازگوید، طبق آیینِ بندگی عمل کرده است." (۸) حقیقت دعا، همان توجّه به خداوند و یاری و مددخواهی از رحمت بی انتهای اوست که در هر آفریده‌ای قطعا وجود دارد؛ خواه انسان باشد یا موجودات دیگر. اساساً هر موجودی خود را آفریده‌ای در این جهان و مقهور و نیازمند به پروردگار این جهان می‌بیند ازاین‌رو در ناتوانی‌ها و بیچارگی‌ها و درماندگی‌هایش به گونه طبیعی از همان مبدئی که موجودیت یافته است، مدد می‌طلبد، به ویژه این حالتِ توجّه و تزلزل و مدد خواهی، درهنگام درماندگی و بیچارگی‌اش به وضوح نمایان می‌گردد. (۹)

اجابت

إجابت: از مادّه جوب که بمعنی نفوذ کردن و دریدن است، پس خداوند متعال مجیب است، یعنی درخواست دیگری را مؤثّر و نافذ قرار می‌دهد تا نتیجه بخش و مقبول باشد، و این تعبیر بهتر از کلمه قبول شدن و أمثال آن است: زیرا در صورت نافذ بودن دعوت و درخواست، موضوع قبول شدن و حصول نتیجه از مبدء، اصلاح و تقویت شده و تأثیر خواهد بخشید. (۱۰) جمله «اجیب» در آیه «اُجیبُ دَعوَهَ الدّاع اِذا دَعان..» صفت فعل پروردگار بوده و مبنی بر وعده است که همواره به خواسته‌های مردم پاسخ مثبت داده و

[1] interindividual conflict
[2] intergroup conflict
[3].intrrindual conflict
[4] intergroupes conflict
[5]. psychosomatic

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

حاجات آنها را بر آورده می‌نماید. و این صفت بطور اطلاق بوده و به هیچ قید و شرطی وابسته نشده است و آنچه قید و شرط دارد همانا چگونگی درخواست و حاجت مردم است.(۱۱) به طور خلاصه، پاسخی که خداوند به دعای دعاکننده می‌دهد، «اجابت» نامیده می‌شود. (۱۲)

تعارض معنوی دعا

منظور از تعارض اخلاقی دعا در این نوشتار آن است که برخی مدعی هستند: "مگر خداوند نفرموده است «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» (۱۳) اما چرا من در قعر سختی‌ها با آه و ناله بسیار به درگاه الهی دعا کردم هیچ یک از دعاهای من به اجابت نرسید. پس دعا کردن در رفع بلا و مصیبت هیچ اثری ندارد." (۱۴)

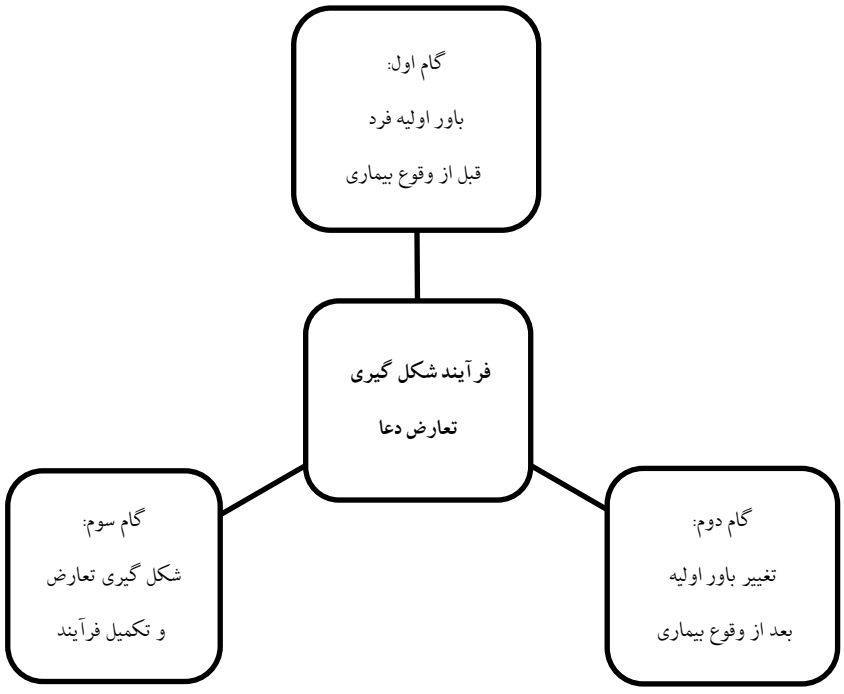
بیماری

منظور از بیماری در این نوشتار مجموعه بیماری‌های صعب العلاجی همچون سرطان، ام اس، دیابت و... است که در اثر عوارض ناشی از آنها فرد مبتلابه ممکن است علاوه بر آن‌که تنها زیبایی ظاهری خود را از دست بدهد بلکه به طورکلی نیازمند و محتاج کمک دیگران گردد و همین نیازمندی به غیر، می‌تواند اسباب حقارت نفس و کمبود عزت نفس وی را محقق سازد. (۱۵)

تبیین تعارض در مسئله

همان‌طور که بیان شد «تعارض معنوی»، پس از بروز ناهماهنگی میان ارزش‌های فرد، ایجاد می‌شود که به دنبال آن، آسیب‌هایی در حوزه باور و رفتار فرد رخ می‌دهد، ارتباط او با خدا، خود و خلق به هم ریخته، از زندگی خود ابراز نارضایتی می‌کند و به طورکلی سلامت معنوی فرد در زندگی کاهش می‌یابد. (احمدی فراز و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۲۹) «دعا و اجابت»، از جمله باورهای معنوی انسان و مؤلفه اصلی این پژوهش است که البته به علت فراگیری آن در میان قشر بیماران و درگیری فراوان آنها با این موضوع، به‌نظررسید تبیین و تحلیل و بررسی تعارض دعا در میان این گروه، در رأس و اولویت قرارگیرد.

افراد هنگامی که در سلامتی به سر می‌برند و مشکل خاصی زندگی آنها را تحت الشعاع قرارنداده است با توجه به آموخته‌ها و شنیده‌های دینی خود به این باور می‌رسند هرگاه انسان حوائج و درخواست‌های خود را به درگاه الهی عرضه کند خداوند دعای او را مستجاب می‌کند. (۱۳) تا زمانی که فرد خلاف این باور خود را تجربه نکرده‌است تصور او از مفهوم دعا تصوری مثبت و آرام‌بخش خواهدبود. اما مسئله اصلی از جایی آغاز می‌شود که فرد، با تجاربی خلاف این باور خود مواجه شده و به واسطه همین تجارب خلاف، اختلال و ناسازگاری میان باورها به وجود آید. این فرد سالم تا زمانی که درگیر شرایط سخت بیماری نشده بود چه بسا تصور مثبت و فرح‌بخشی از دعا و اجابت در ذهن خود داشت اما همین فرد به محض آن‌که درگیر شرایط سخت بیماری شد و دست نیاز به سوی اله بلند کرد اما با درهای بسته روبرو گشت دچار دوگانگی و تضاد در باورها می‌شود زیرا خدا را آن‌گونه که در ذهن خود تصور می‌کرد، حامی نمی‌بیند و آنچه را از خداوند درخواست می‌کند مهیانمی‌گردد. ازاین‌رو تمامی پیش زمینه‌هایی که از مفهوم دعا در ذهن خود پرورانده بود به یکباره فرو می‌ریزد و تعارض معنوی دعا در قالب گزاره ذیل، هویدا می‌گردد: "مگر خدا نگفته بود هرکس مرا بخواند من دعای او را به اجابت می‌رسانم، من شفای بیماری خود را از خدا طلب کردم اما خدا مرا شفا نداد و بیماری بر من غالب شد!" با این توضیحات می‌توان شکل‌گیری تعارض را طی سه گام پیشنهادی مورد بررسی قرار داد:



[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

گام اول: باور دعا در زمان سلامتی

طبق تعریفی که از تعارض، بیان شد باورها نقش مهمی در شکل-گیری تعارض ایفا می‌کند. با توجه به ماهیت دینی موضوع مد نظر، باورها را نیز از همین حیث، مورد بررسی قرارمی‌دهیم.

باورهای افراد دین‌دار با توجه به وجهه مذهبی‌شان می‌تواند ناشی از برداشت و تصورات آنها از آموخته‌ها و شنیده‌های دینی باشد. به عنوان مثال، برخی آیات و روایاتی که محتمل است باور دعا از آنها اثرپذیرفته باشد عبارتند از:

خداوند در قرآن کریم می‌فرمایند: «و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سوال می‌کنند (بگو) من نزدیکم و دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم.» (۱۳)

همچنین در آیه دیگر اشاره می‌شود «و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم. همانا کسانی که از عبادت من سر باز زده و تکبّر می‌ورزند به زودی با سرافکندگی به جهنّم وارد می‌شوند.» (۱۳)

حضرت علی(علیه السّلام) دنیا را خانه‌ای پر از بلا می‌داند (۱۶) و از سوی دیگر سفارش فرمودند امواج بلا به واسطه دعا دفع می‌شود. (۱۶)

امام صادق (ع) فرموده است: «دعا از نیزه آهنی پر نفوذتراست». (۱۷)

امام حسین (ع): «بر شما باد به دعا کردن، زیرا در دعا شفای هر دردی است» (۱۸)

اگر فرض کنیم تصور فرد از دعا و برقراری ارتباط با خداوند، براساس آیات و روایات فوق، شکل گرفته باشد او باور دارد که دعا در درگاه الهی بدون هیچ کم و کاستی به اجابت می‌رسد و انسان در رویدادهای زندگی تنها نیست بلکه نیرویی همواره همراه اوست و نهایت توجه را به او دارد تا خواسته‌های وی محقق گردد. باور دارد خداوند یار همیشگی انسان است و هر چه از او درخواست شود به نحو احسن و الساعه مهیا می‌کند. ازاین‌روست که افراد در شرایط فعلی، تصور ایده‌آلی از «دعا و اجابت» در ذهن خود می‌پرورانند و ارتباطی صمیمی و نزدیکی بین خود و خدای خویش احساس می-کنند. دلیل این حال خوب آن است که این فرد احتمالا تاکنون حالت «اضطرار و عدم استجابت دعا» را تجربه نکرده‌است تا به موجب آن، اختلال در باورها ایجاد شود و سلامت معنوی وی به خطر اُفتد. بنابراین هم‌اکنون احساس رضایت و معناداری از زندگی می‌کند.

	باور	سلامت معنوی
گام اول: قبل از وقوع بیماری	هرکس به درگاه الهی دعا کند خداوند دعای او به اجابت می-رساند	فرد تاکنون، به نحو اضطرار، درگیر موضوع دعا و اجابت نشده است بنابراین، فعلا از زندگی احساس رضایت دارد، سلامت معنوی او برقرار است و خللی در ارتباط او با خداوند ایجاد نمی‌شود.

گام دوم: اختلال در باور دعا پس از وقوع بیماری

همان‌طور که در گام اول اشاره شد برخی افراد بر اساس تصورات خویش از آیات و روایات، به این باور می‌رسند که اگر انسان خواسته‌های خود را به درگاه الهی عرضه کند خداوند دعای او را رد نمی‌کند. این باور تا زمانی با آنها همراه است که در سلامتی به سر می‌برند و مشکل خاصی آنها را درگیر نکرده است اما به محض آن‌که شرایط از حالت عادی به وضعیت بحرانی بیماری و مشکلات ناشی از آن تغییر کند رفته رفته باورهای فرد به هم می‌ریزد. او قبلا باور داشت خدا دعای بندگان را مستجاب می‌کند. اما اکنون که از یک‌سو گرفتاری بر او حاکم شده و از سوی‌دیگر، هرچقدر دعا می‌کند دعایش به اجابت نمی‌رسد، این دوگانگی باورها او را دگرگون و متلاطم می‌سازد. فرد قبل از ابتلا به بیماری باور داشت دعای انسان در درگاه الهی مستجاب است و در پرتو چنین باوری، سرشار از انرژی و نشاط بود و نسبت به دعا و اجابت تصوری مثبت داشت. اما در هنگام بیماری، خلاف این باور را تجربه می‌کند چراکه با وجود دعا به درگاه خداوند و درخواست نجات از شرایط سخت و شفای بیماری، دعایش مستجاب نمی‌شود و سلامتی او بازنمی‌گردد. در صورتی که انتظار داشت به محض دعا و تضرع و زاری، خدا را حامی و همراه شرایط سخت و آسان ببیند و استجابت دعای خود را از خداوند دریافت نماید. اما اثری از استجابت و بهبودی بیماری نیست. (۱۴) با وجود دوگانگی میان باورها، فرد احساس نارضایتی از شرایط موجود می‌کند، میزان سلامت معنوی او کاهش می‌یابد و ارتباط او با خداوند دچار اختلال می‌شود اینجاست که گام دوم تعارض دعا و اجابت محقق می‌شود.

	باور فرد	اختلال در باور	سلامت معنوی
گام دوم دربیماری	دعا شفای هر دردی است.	من دعا کردم اما همچنان بیمارم.	ناراضی از زندگی کاهش سلامت معنوی
	به‌هم ریختگی و اختلال میان باورها قبل و بعد از بیماری		

گام سوم: شکل گیری تعارض دعا در شرایط سخت بیماری

اکنون پس از تحقق گام دوم و ایجاد ناهماهنگی در باورهای فرد زمینه شکل‌گیری تعارض فراهم می‌شود. در گام اول و شکل‌گیری باور، فرد معتقد بود هرگاه انسان حاجت مهم و اضطراری خود را به درگاه الهی عرضه دارد بدون شک خدا آن را می شنود؛ دعایش را ترتیب اثر داده و طبق خواسته بنده اش عمل می نماید؛ زیرا خودش بارها گفته است: "هرکس مرا بخواند من به او نزدیکم و خواسته‌اش را به اجابت می‌رسانم." (۱۳) براساس این آیه فرد به این

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

باور رسیده بود که به محض جاری شدن دعا بر زبان انسان، اجابت آن از طرف خدا، قطعی و حتمی خواهد بود؛ یعنی آنچه انسان طلب کرده را به همان شکل برآورده می‌کند.

اما همین فرد با چنین باوری هنگامی که در شرایط سخت بیماری واقع می‌شود و خلاف باورهای قبلی خود را تجربه می‌کند این تضاد و دوگانگی او را سردرگم می‌کند. از طرفی وی قبلا باور داشت هرکس طلب و حاجت خود را به درگاه خدا ببرد خداوند او را ناامید نمی‌گرداند و دعای او را به اجابت می‌رساند. از طرف دیگر، او اکنون بیمار است و هرچقدر دعا می‌کند دعایش به اجابت نمی‌رسد و خبری از حمایت و یاری خدا نیست." با این‌که من برای بهبودی بیماری دعا کرده‌ام اما خدا دعای مرا مستجاب نمی‌کند و بیماری من درمان نمی‌شود." اینجاست که تعارض، شکل می‌گیرد: "مگر خدا نگفته بود هرکس مرا بخواند و دعا و تضرع خود را به درگاه من آورد من دعایش را مستجاب و مشکلات او را حل می‌کنم، پس چه شد؟ چرا خدا هیچ گشایشی برای من فراهم نمی‌کند؟ براساس دعوت قرآن به دعا واجابتگری خالق، من از خدا خواستم ولی اجابتی از او ندیدم پس توصیه به دعا در زندگی مادی کارساز نیست چون خدا فرمود اگر ازمن خواستید اجابت می کنم." خدا فرمود از من بخواهید من اجابت می کنم. فرد دعا کرده است و می گوید چرا خدا اجابت نمی‌کند. همین سبب به‌هم ریختگی در باورهای فرد می‌شود. قبلا خدا را حامی خود در مشکلات می‌دانست و این باور سبب اطمینان قلبی او بود و ارتباطش با خدا استمرار داشت. اما اکنون در باورش مردد شده، از شرایط فعلی ناراضی است، ارتباط وی با خدا کمتر شده و سلامت معنوی او کاهش می‌یابد. نهایتا به این باور می‌رسند " خواستن و دعا کردن هیچ سودی ندارد خدا هرکاری خودش بخواهد انجام می‌دهد!"

	گام ها	باور	سلامت معنوی
مراحل شکل‌گیری تعارض دعا در بیماری	گام اول: شکل‌گیری باور دعا قبل از بیماری	امواج بلا به واسطه دعا دفع می‌شود.	فرد تاکنون تجربه اضطرار و عدم اجابت نداشته ازاین‌رو، سلامت معنوی او برقرار و از زندگی خود راضی است.
	گام دوم: اختلال باور دعا پس از بیماری	دعا شفای هر دردی نیست	هم اکنون در اضطرار واقع شده و دعایش مستجاب نمی‌شود. سلامت معنوی او کاهش یافته و از زندگی ناراضی است.
گام سوم: شکل‌گیری تعارض دعا در بیماری			

رفع تعارض

مطلوبیت فطری دعا

هر انسانی ذاتا با خالق خود ارتباطی درونی دارد. حتی اشقیاء نیز هنگامی‌که گرفتاری و ابتلاء به آنها رو آورد از کلیه اسباب و علل مادی ناامید گشته و به درگاه الهی پناه می‌برند. التجاء و پناه بردن به خداوند از جمله امیال ذاتی، فطری و طبیعی وجود هر انسانی است. (۱۹) دعا کردن ازجمله اموری است که همواره مطلوب و پسندیده است هرچند با اجابت توأم نباشد. لازمه روحیه معنوی هر فردیست که در اوقات شبانه روز ساعتی را به مناجات و دعای به درگاه الهی اختصاص دهد و با معبود خویش مرتبط باشد. طلب مغفرت امیر عارفان در دعای کمیل از گناهانی که باعث حبس دعا می‌شود حاکی از آن است که دعا و مسئلت و راز و نیاز به درگاه الهی به خودی خود مطلوب و ضروریست. مشکل ما این است که از این حقیقت غافلیم و تصور می‌کنیم که تنها در زمان اضطرار و نیازمندی باید روی به درگاه خدا آورد و اشتباه بزرگ‌تر این است که گمان می‌کنیم اجابت دعا تنها منحصر در دستیابی و نیل به درخواست‌های مادی است. در پی چنین نگرش‌هایی است که رفته‌رفته منجر به شکل‌گیری تعارضات خواهد شد. (۲۰) درصورتی‌که تحقق حوائج و نیازهای مادی و محسوس، تنها یک بخش از دعای انسان به درگاه الهی است، بخش عمده و اجابت برتر و والاتر، همان برقراری ارتباط و انس انسان با معبود خویش است بلکه بزرگترین نعمت همین است که خدا به انسان اجازه داده و پذیرفته است تا با او گفتگو کند و در پرتو این گفتگو به کمال آرامش که موهبتی الهی است نائل شود. (۲۲) فردی که درگیر شرایط سخت بیماریست جدای از آن‌که آرزو دارد با دعا کردن، سلامتی وی هرچه زودتر بازگردد اما بیش از آن نیازمند مأمنی آرامبخش است تا با پناه بردن به آن و طی گفتگو و راز و نیاز و دردل با او لحظاتی را به دور از هیاهوی اطرافیان و تنش‌های ناشی از بیماری به سربَرد. نگرشی این‌گونه داشتن نسبت به دعا و نیایش در شرایط سخت بیماری اسباب التیام افراد را فراهم آورده تاحدودی منجر به رفع تعارض و تحقق سلامت معنوی و احساس رضایت از شرایط فعلی می‌گردد. بنابراین تصحیح باورهای افراد از جمله راهکارهای مفید در رفع تعارض دعا به شمارمی‌رود.

نقش مهم و اساسی دعا در «تربیت انسان» نیز گویای اثرات مطلوب و ذاتی دعا می‌باشد. به عبارت دیگر، یک فرد بیمار هنگامی که حاجات خویش را به درگاه الهی عرضه می‌دارد و به زعم خود اجابتی از سوی خدا دریافت نمی‌کند این دیدگاه یک دیدگاه تک بعدی به ساحت دعا و راز و نیاز داشتن است. چراکه دعا علاوه بر انکه دارای ابعاد ملموس و محسوسی در رفع حوائج مادی می‌باشد همچنین از اثرات تربیتی خاصی نیز برخوردار است. انسان با دعا کردن، خود را در معرض نفحات ربانی حق قرار داده و از پرتو این نفحات الهی و به اقتضای دعا و طلب خود، استعداد جدیدی در درون

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

وی رخ می‌دهد که مادی و ملموس نمی‌باشد. (۲۲) انسان نباید تصور کند که تنها پاسخ دعای وی شفای بیماری اوست و چون خدا بواسطه دعا بیماری او را شفا نداده است یعنی دعایش مستجاب نشده است. این نگاه تک بعدی داشتن به دعاست که افکار انسان را مشوش نموده و اسباب نگرانی و نارضایتی و نهایتا تعارض معنوی را فراهم می‌سازد. هیچ پاسخی بهتر از آن نیست که بواسطه دعا و ارتباط با معبود، وجود انسان سرشار از نور الهی می‌گردد. احساس قرب به معبود که از پرتو دعای انسان حاصل می‌شود چنان لذت بخش خواهدبود که باوجودآن، نه تنها تعارضی باقی نمی‌ماند بلکه فرد بیمار کمبودها و دردهای خود را فراموش خواهد کرد و از زندگی و شرایط خود ابراز نارضایتی نمی‌کند و سلامت معنوی وی با اختلال مواجه نخواهد شد.(۲۳)

از دیگر عواملی که حاکی از «مطلوبیت ذاتی دعا و نیایش» است بُعد معرفتی و تأثیر آن در راهبردهای شکل‌گیری و تغییر نگرش انسان است. ائمه معصومین علیهم السلام، در دعاها به ما شناخت و استدلال می‌آموزند، مناجات و برون‌ریزی عاطفی را فرا روی ما می گشایند، نگرش ایمانی را یادآوری و در قالب دعا تکرار می‌کنند. به ما می‌آموزند که چه امر ارزشمندی باید بر زندگی ما حاکم شود و چه خطرهائی برای ما وجود دارد تا از آن‌ها دوری نمائیم. به ما یاد می‌دهند که زندگی کردن و مردن را چگونه تجربه کنیم و همه امور مذکور راهی است که در شکل‌گیری نگرش دعا و تغییر آن موثر است.(۲۴)

گرچه در مقام عمل و در شرایط سخت بیماری، تغییر نگرش و تفکر و اندیشیدن پیرامون چنین موضوعاتی شاید کمی سخت و اندکی انتزاعی باشد اما اگر از افقی دیگر به این موضوع بنگریم هنگامی که بحران بیماری بر انسان فشار آورده و او را در تنگنای درد و اضطراب و نگرانی قرار داده است و هیچ راه نجاتی پیدا نمی‌شود در این بین، تفکر و تکیه بر امور ماورائی و پناه آوردن به درگاه الهی و طلب استمداد از او، کمترین اثرش آن است که حداقل می‌تواند انسان را به لحاظ روانی اندکی آرام‌تر ساخته و روان وی را از وجود تعارضات و ابراز نگرانی و نارضایتی عاری می‌سازد. گرچه فی الواقع، تأثیر چنین ارتباطی با معبود، بسیار عمیق‌تر و فرای این اشارات سطحی خواهدبود.

دعا و علیت

نظام حاکم بر جهان و اشیاء یک نظام ضروری و لازم است. لازمه قانون علّیت این است که وقوع هر حادثه‌ای در شرایط مخصوص مکانی و زمانی خودش قطعی و حتمی و غیر قابل تخلّف باشد، همان طور که واقع نشدن آن در غیر آن شرایط نیز حتمی و تخلّف ناپذیر است.(۲۵) توجه به اصل «علیت» موجب انتظام افکار انسان می‌گردد و نوعی پیوستگی خاص، میان علل و معلولها در ذهن انسان مجسم می‌کند. اصل علّیت غائی بر طبیعت حاکم است، به این معنا که طبیعت در سیر و حرکت خود در پی اهداف و غایاتی است و همه غایات هم به یک غایت اصلی که غایة الغایات است منتهی می‌گردد. (۲۶) در همین راستا، دعا نیز از قانون علیت مستثنا نمی‌باشد. دعا گاهی علت یک پدیده به شمار می‌رود و گاهی معلول آن. از یک‌سو می‌تواند معلول عشق‌ورزی، نیاز و ارتباط‌گیری با معبود به شماررود و از سوی دیگر نیز می‌تواند علت حرکت به سوی معبود و رسیدن به آنچه نیکوست باشد. (۲۷) البته دعا کردن به تنهایی نمی‌تواند علت تامّه اجابت باشد بلکه دعا تنها یکی از اسباب و علل رسیدن به خواسته‌ها و حوائج مدنظر است. پس نمی‌توان از دعا انتظار معجزه داشت چراکه دعا هنگامی مستجاب می‌شود که در چارچوب قوانین طبیعت باشد. و قدرت خداوند است که این قوانین را در کنار هم چیده و انسان را به خواسته‌اش می‌رساند. اگرچه وعده خداوند در مورد استجابت دعاها حق و واقعی است اما اگر این وعده با دیگر وعده‌های وی تصادم داشته باشد دعا به اجابت نخواهد رسید. چرا که خلاف قوانین طبیعت است.(۲۳) اگر چه دعا و نیایش، یک مفهوم دینی است اما هرگز نباید انتظار داشت جایگزین عوامل دیگر جهان هستی شود و جلوی تأثیر آن ها را بگیرد. دعا، جایگزین دارو برای درمان نمی شود. همچنین دعا هیچ گاه جانشین تلاش، اراده، اندیشه و برنامه ریزی انسان نمی شود. مفهوم دعا، مفهوم بالایی است و نمی‌توان دعا را مانند مغازه سوپری تصور کرد که هر وقت کمبودی داشتیم الساعه مهیا شود. بنابراین، نتایج مادی نیایش عموماً واضح نیست بلکه آمیخته با اسباب و علل دیگر است که در شکل رحمت و برکت نامرئی و معنوی به ما ارزانی می شود. (۲۴)

اگرچه افراد ممکن است در زمان سختی و بیماری، حال دعا و نیایش واقعی پیدا کرده و با معبود خویش اتصال برقرارکنند، اما هیچ گاه نیایش هر چند هم کامل و جامع باشد نمی تواند خارج از نظام قوانین هستی عمل کند. به عبارت واضح تر، فرد برای این‌که از کاری نتیجه بگیرد باید مراتب لازم را طی کند تا به مطلوب خویش برسد. به عنوان مثال اگر کسی بیمار شود، دارو قطعاً در درمان او اثرگذار است در صورتی‌که در زمان و شرایط مقرر مصرف شود. اما اگر بیمار، هر موقع دلش خواست دارو را بخورد یا یک بار بخورد یک بار نخورد هیچ گاه به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. بر همین اساس، باید توجه داشت گرچه دعا اثرگذار است اما مهیا کردن زمان و شرایط و مراتب دعا نیز لازم است. درست که دعا یکی از اسباب معنوی به شمارمی‌رود اما نمی توان از آن انتظاری فوق اسباب نظام هستی داشت. تغییر باورها نسبت به موضوع دعا، انسان را از ایجاد تعارضات، بازداشته و او را در حفظ سلامت معنوی و معنایابی و رضایت از زندگی، یاری می‌کند.

دعا و حکمت

آیا خداوند به حال بندگان خویش عالم است یا خیر؟ مسلما عالم است. آیا خداوند بر رفع مشکلات انسان قادر است یا خیر؟ اگر بگوییم قادر نیست؛ که دیگر خدا نیست. پس می‌دانیم که خداوند بر رفع مشکلات ما قادر است. آیا خداوند نسبت به مخلوقات خود رئوف و مهربان است یا خیر؟ یقینا خداوند مهربان‌ترین مهربانان است و در رأفت و لطف و مهربانی خدا شکی نیست. آیا خداوند حکیم است یا نه؟ در صورتی که خداوند حکیم نباشد، دیگر خدا نیست. پس قطعا خداوند حکیم است. با توجه به این برهان، اگر دعا مستجاب شود، محض حکمت خدا بوده است و چنانچه دعا مستجاب نشود، آن هم محض حکمت خداوند حکیم است. همه امور عالم هستی از روی حکمت خداوند صورت می‌پذیرد. پس وقتی

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

بدانیم خداوند عالم به حال بندگان است، قدرت رفع مشکلات آنان را دارد، نسبت به آنان رئوف و مهربان است و مهم‌تر اینکه، حکیم است، طلبکاری از او چیزی جز نادانی نمی‌باشد. لذا وقتی خداوند می‌فرماید: اجابت دعا قطعی است پس بهتر است انسان فقط دعا کند و یقین داشته باشد آنچه مصلحت اوست به او عطا می‌شود. (۲۸) باید توجه داشت وعده‌های الهی در مورد اجابت دعا هرگز بیهوده و عبث نمی‌باشد چراکه دعای انسان به هر نحو ممکن، بدون پاسخ نمی‌ماند. وعده‌های الهی حتماً تحقق پیدا می‌کند و اجابت و تاخیر هر دو از موهبت‌های الهی‌اند. به هرحال علم و رأفت الهی، دعا را به گونه‌ای رقم زده و به مقام اجابت می‌رساند که مصلحت دعا کننده اقتضا می‌کند؛ هر چند ظرف تحقّق این مصلحت، قابل رؤیت نباشد و به مزاق بنده خوش نیاید. (۲۹) چنان‌چه حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ به فرزند خود فرمودند: «هرگز دیر شدن اجابت خداوند، تو را ناامید نکند که بخشش به قدر نیت است. چه بسا اجابت دعا به تاخیر می اُفتد تا اجرش برایت بیشتر باشد. .... چه بسا چیزی از خدا بخواهی و خدا آن را به تو ندهد بلکه بهتر از آن را (در آینده) بدهد؛ یا در دنیا یا در آخرت.» توجه به این نکته که خداوند در اجابت و عدم اجابت دعاها مصلحت و حکمت انسان را در اولویت قرار می‌دهد از جمله نکات کلیدی بسیار مهم در تحقق آرامش انسان به شمار می‌رود. اگر هر فردی در حین دعاکردن، صلاح و مصلحت خویش را از خداوند تقاضا کند و با علم به این‌که خداوند عالم و قادر بر تمامی امور خلایق است با آسودگی خاطر، اجابت دعای خویش را تمام و کمال به خداوند بسپارد در این صورت اگر خداوند اجابت دعای بنده‌اش را در وضعیت کنونی به صلاح وی ندانست، این منجر به نگرانی و ابراز نارضایتی فرد از معبود خویش نخواهد شد و نه تنها فرد، درگیر تعارض نمی‌شود بلکه شاکر و قدردان خالق خود می‌گردد چراکه آگاه است خداوند در عین رحمانیت و رحیمیت نسبت به بندگانش و نیز با وجود قدرت بر اجابت دعا اما هم اکنون مصلحت بنده‌اش را در اولویت قرارمی‌هد.

دعا و مقام رضا

راضی بودن به به قضا و قدر الهی همان خشنودی از پیش‌آمدهای رسیده از سوی حق تعالی است خواه در نزد بنده گوارا باشد یا ناگوار، فقر باشد یا ثروت، بیماری باشد یا سلامتی در هر صورت آن را عطیه ای الهی قلمداد کرده، و با کمال میل پذیرا می‌گردد. بنابراین، مقام رضا نقش بسزایی در تحقق سلامت معنوی افراد ایفا می‌کند. رسیدن به این مقام، تنها در صورتی ممکن است که انسان نسبت به مقام رأفت و رحمت حق تعالی نسبت به بندگان خود معرفت و شناخت پیداکند. همچنین ایمان داشته باشد آنچه خداوند عطا می‌کند به منظور تربیت بندگان و رسیدن به انتهای کمال است. تربیت الهی گاهی به این طریق است که بر بندگان فشار وارد کند؛ و گاهی این گونه است که آنها را غرق در نعمت کند. چه بسا که انسان به واسطه فقر و تهی‌دستی به مقام کمال ذاتی خود برسد، و چه بسا که به واسطه مرض و ناتوانی به سعادات جاودانی نائل گردد. (۳۰) برفرض اگر فردی تمام شرایط لازم برای اجابت دعا را فراهم ساخته اما بازهم زمینه اجابت فراهم نمی‌شود در چنین مواردی خالی از لطف نیست که در پاسخ به افراد معترض، بحث راضی بودن به قضاء و قدر الهی مطرح شود. رضا به مقدّرات الهی و این‌که انسان پس از انجام وظیفه و تلاش در عرصه‌های مختلف، بتواند در برابر حوادث تلخ و مقدّرات ظاهرا نامناسب الهی خشنود باشد و مصلحت الهی را بر مصلحت ظاهری خود ترجیح دهد و آنچه را خدا پسندید، همان را بپسندد زمینه تحقق سلامت معنوی و معنایابی و ابراز رضایت از زندگی به راحتی فراهم می‌گردد.

راضی بودن به رضای خدا بر دوگونه است: ۱- رضایت ناآگاهانه و غیر مسؤولانه و خام. ۲- رضایت آگاهانه و مسؤولانه و پویا. راضی بودن به رضای الهی به معنی اوّل، نادرست است و موجب تخدیر و رکود خواهد شد. به عنوان مثال، فرد بیمار هیچ اقدامی در جهت رفع و بهبودی بیماری خود انجام ندهد با این تصور که "بیماری، جزء مقدّرات من بوده است، باید به رضای خداوند راضی باشم." به همین دلیل، دست از تلاش و کوشش در جهت رفع بیماری برمی‌کشد. چنین رضایتی، جاهلانه بوده و موجب رکود و تخدیر و ارتجاع خواهد بود و از نظر اسلام مردود می‌باشد، امّا راضی بودن به رضای الهی به معنی دوم، معنای صحیحی است و نه تنها مخدّر و موجب توقّف و رکود نیست، بلکه موجب قوّت قلب و روشنایی روح و روان شده و سختیها و رنج‌های مصائب را از انسان دور می‌سازد و بر تحمّل و صبر و مقاومت وی می‌افزاید و بستر سلامت معنوی و معنایابی مهیا می‌گردد. (۳۱) همانند آن‌که بیمار علی‌رغم تلاش در جهت بازیابی سلامتی و انجام تمامی اقدامات لازم در این زمینه و نیز دعا و توسل به درگاه الهی اما باز هم بیماری او بهبود نمی‌یابد اینجاست که بحث رضای الهی اسباب آرامش قدسی انسان را فراهم می‌سازد.

علت عدم استجابت

واضح است علم انسان نسبت به شناخت جوانب امور، محدود و ناکافی است. به همین علت، گاهی تصور می‌کند رفع نیاز به مصلحت اوست اما فی الواقع چنین نیست و خداوند که آگاه به تمام امور است می‌داند تحقق این خواسته برای فرد سودی ندارد از این‌رو تقاضای فرد را اجابت نمی‌کند. گاهی بالعکس، فرد تصور می‌کند امری برای او مضر است و رفع آن را طلب می‌کند اما اتفاقا همان امر برایش سودمند بوده و محقق می‌شود.(۳۲) عَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱۳)

جمله: (إذا دَعانِ) در آیه «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»(۱۳) بیان می‌کند وعده اجابت، هر چند مطلق و بی‌قید و شرط است، اما این شرط را دارد که داعی، حقیقتا دعا کند، و قلب و زبانش بایکدیگر موافق باشد، چون درخواست فطری از خدای سبحان هرگز از اجابت تخلف ندارد، در نتیجه دعائی که مستجاب نمی‌شود و به هدف اجابت نمی‌رسد، یکی از این دو مؤلفه را فاقد است که در جمله:" دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ"، به آن اشاره شده است: اول: آن که دعا دعای واقعی نیست، و امر، بر دعا کننده مشتبه شده، مثل کسی که اطلاع ندارد خواسته‌اش نشدنی است، اما از روی ناآگاهی، همان را طلب می‌کند، مثلا اگر مادر می‌دانست که بهبودی فرزندش

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

چه خطرهایی برای او در پی دارد هرگز دعا نمی‌کرد، ازاین‌رو، اکنون که از روی ناآگاهی به حقیقت حال، دعا کرده دعایش مستجاب نمی‌شود. و این چیزی نیست جز لطف و رحمت الهی نسبت به بندگان خود. دوم؛ این که گرچه دعا، دعای واقعی است، اما در دعا خدا مدنظر نیست، به این معنا که به زبان از خدا مسئلت می‌کند، ولی در دل همه امیدش به اسباب عادی یا امور وهمی است، اموری که توهم کرده در زندگی او مؤثرند. پس در چنین دعائی شرط دوم (اذا دعان، در صورتی که مرا بخواند) وجود ندارد، چون دعای خالص برای خدای سبحان نیست، پس این دو گروه از دعا کنندگان دعای‌شان مستجاب نیست، زیرا یا دعای‌شان دعای واقعی نیست، و یا از خدا مسئلت نمی‌کنند چون خالص نیستند. (۳۳)

با توجه به این که وعده اجابت الهی بالاخره محقق خواهد شد و تأخیر در اجابت دعا معلول حکمت‌هایی در افعال خداست، انسان باید مراقب حربه های شیطان برای راندن بنده از درگاه خدا باشد. وقتی پس از مدتی دعا مستجاب نشد، شیطان به سراغ انسان آمده و او را از اجابت دعا ناامید می‌سازد و اینجاست که تعارض شکل‌می-گیرد که برای مقابله با شکل‌گیری تعارض لازم است فرد از اجابت ناامید نگردد و دست از دعا برندارد، در این صورت همواره در خیر و خوبی است و در هر وضعیتی که باشد بازهم ذیل عنایات الهی خواهدبود. انسان باید یقین داشته باشد از وقتی دست به دعا می‌شود خداوند کار اجابت او را به جریان می‌اندازد. اینکه چه زمانی و چه پاسخی بدهد برای داعی نامشخص است اما باید همواره هوشیار بود که مبادا از درگاه الهی ناامید گردد و عجولانه رفتار کند چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «یستجاب للعبد ما لم یقول: قد دعوت فلم یستجب لی: بنده تا زمانی‌که عجله نکند دعایش مستجاب است (منظور از تعجیل آن است که) بگوید من دعا کردم اما مستجاب نشد.» (۳۴) لذا با اصلاح باورها نسبت به خداوند در مقوله اجابت دعاها، تعارضات معنوی قابل حل و آرامش قدسی افراد، پایدار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

	مراحل شکل‌گیری تعارض	پاسخ
فرایند تعارض دعا و پاسخ‌دهی	گام اول: (در زمان سلامتی) هرکس خدا را بخواند، مورد اجابت واقع می‌شود	۱. دعا و نیایش، فارغ از بحث رفع نیاز و خواسته‌های انسان، دارای مطلوبیت ذاتی است.
	گام دوم: (در زمان بیماری) خدا دعای مرا مستجاب نمی‌کند.	۲. دعا در ارتباط مستقیم با قانون علیت است و در کنار دیگر عوامل سبب رفع حوائج انسان می‌گردد نه به تنهایی.
	گام سوم: شکل‌گیری تعارض دعا	۳. چنانچه با وجود رعایت تمامی شرایط بازهم دعا مستجاب نشد، بحث راضی به قضای الهی مطرح می‌شود. ۴. عدم اجابت دعای انسان وابسته به برخی حکمت‌های الهی است. ۵. علل رد دعا یا به علت آن است که دعا واقعی نیست؛ یا اگر هم دعا واقعی باشد، خدا را نمی‌خواند بلکه چشم امیدش به اسباب است.
	رفع تعارض دعا و تحقق سلامت معنوی فرد	

References

1. Mousavizadeh R, Ahmadi Faraz M, Azarbayjani M, Naji Isfahani, Sharabafchi M, Memarian N, et al. Why me? Spiritual needs assessment of patients, Isfahan: University of Medical Sciences. 2016: p. 36- 35
2. Ahmadi Faraz M, Sharabafchi M, Mousavizadeh R, Raisin N, Ghaderi S, Shirvani A. An Introduction to the Basics of Spiritual Care, Isfahan: University of Medical Sciences Publications. 2016: p. 29
3. Mousavizadeh R., Alphabet of Medicine, Qom: Book Publishing Center, 2017: p.30
4. Hosseini A., Standard lifestyle and its role in ensuring physical, mental, social and spiritual health of human beings, Tehran: Qatreh. 2007: p. 16
5. Sanei M, Mental Health in Islam, Qom: Book Garden. 2007: p.84
6. Ganji F, Disasters and Disasters, Qom: Book Skin, 2002: p. 84
7. Qurashi AS, Quran Dictionary, vol. 2, Tehran: Islamic Library. 2006: p. 86-344-345
8. Dailami M, Ershad al-Qulub, (translated by Hedayatullah Mustarhami), vol. 2, Tehran: Mostafavi. 1950: p.210
9. Khalaji M, translation of Sahifa Sajjadieh, Qom: Sahifa Kherad. 2007: p.1
10. Mostafavi H, Tafsir Roshan, vol. 2, Tehran: Nashr-e-Kitab. 2001: p. 390
11. Hosseini Hamedani M, Anvar Derakhshan, Tehran: Lotfi. 1404: p. 123
12. Bani Hashemi M, Prayer and Answer; Mahdism course series, Tehran: Munir. 1389:p. 90

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]

13. The Holy Quran (translated by Hussein Ansarian) Baqara 186 and 216, Ghafar 60
14. Mousavizadeh, attack, I should not have gotten sick, Isfahan: Farhang Pajouhan Danesh. 1399: p.50-52
15. Noghani F, Frozen, Bahrani N, Ghodrati Jablo and, "Comparison of self-esteem of male and female patients with cancer", Faculty of Nursing and Midwifery, Tehran University of Medical Sciences, 2006: 47 (2): p41-33.
16. Ali Ibn Abitaleb, Nahj al-Balaghah, (Translator: Hussein Ansarian), Qom: Dar al-Irfan Publications. 2007: Sermon 224, Wisdom 146
17. Klini M, Usul Kafi, (translation: Mohammad Baqir Kamrahai), vol. 2, Qom: Aswa. 1996: p. 468
18. Feyz Kashani M,, Rah-e Roshan, vol. 2, Mashhad: Astan Quds Razavi. 1993: p.393
19. Motahari M., Collection of Works, Qom: Sadra. 1998: p.782
20. Bahrami Gh, Prayer and Life, Qom: Our Reason. 2006: p. 23-28
21. Farahzad H, Prayers and Secrets of Answering, Qom: Thirst. 2014: p. 51
22. Mansoori Larijani A, Niayesh, Tehran: Mehdi Al-Quran, 2012: p.21
23. Fit, prayer from the perspective of Ayatollah Khamenei, Tehran: Islamic Revolution. 2011: p.23
24. Ahmadi Faraz M, Aramesh Ba Niayesh, Isfahan: University of Medical Sciences Publications. 2017: p.30-35
25. Motahari M, Man and Destiny, Qom: Sadra. 1998: p. 387
26. Motahari M, Islamic Philosophy, Qom: Sadra. 1998: p. 1377
27. Judge AH, Whispers of Lovers in Eternal Prayers, Tehran: The Virtue of Science. 2001: p. 80
28. Manifestations of H, course and conduct; Introduction: Spiritual conduct in the light of the Qur'an and Atrat, Qom: Al-Zahra Cultural Institute (PBUH). 2010: p.89-123
29. Mesbah Yazdi M, Pand Javid, (Author: Ali Zinati), Qom: Imam Khomeini Institute. 2012: p. 294
30. Khomeini R.,, refinement of the soul and behavior from the perspective of Imam Khomeini (PBUH), Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (PBUH) 2008: p. 63.
31. Abdus M., Twenty-Five Principles of the Moral Principles of the Imams (as), Qom: Islamic Propaganda Office.
32. Kashefi, Mohammad Reza, Rouhani, Mohammad Kazem, Doa and Tawassul, Qom: Maaref Publishing Office. 2010: p. 63
33. Mousavi Hamedani M, translated by Al-Mizan, Qom: Teachers Association Publications. 1995: p. 45-46
34. Majlisi, M. Baharalanvar, vol. 9, Tehran: Islamic Publications, 1699: 371

[Downloaded from islamiclifej.com on 2022-12-26]